

«هم سرزمین» نقطه امن
 زهرا اردکانی فرد و همکارانش
 در روزهای جنگ بود

برای ایران

هم سرزمین

آزاده خلیلی درست است که از نظر نظامی آمادگی کامل داشتیم، اما برنامه زندگی ما که نه جنگ را دیده بود و نه تجربه کرده بود، آن طور نبود که بتوانیم به سرعت خودمان را جمع و جور کنیم. خانواده را مدیریت کنیم و حتی بر اطرافیان تأثیر بگذاریم. در این میان، پرسش‌ها و شبهه‌های مطرح می‌شد که به آشوب درونی ما دامن می‌زد و وضعیت را بدتر می‌کرد. در شرایطی که بسیاری از ما نمی‌دانستیم چه کنیم، برخی دقیقاً می‌دانستند که چه باید کرد. یکی از آن‌ها زهرا اردکانی فرد بود که با دانش دکترای علوم ارتباطات، دست به تولید محتوا زد و «هم سرزمین» را تولید کرد.

شیراز اول بفرمایید که در آغاز جنگ کجا بودید و چه می‌کردید؟

در ابتدای جنگ تهران بودم و درگیر کاری از نوعی دیگر که بیشتر در حوزه سیاست گذاری بود. با گذشت چند روز از آغاز جنگ و شرایطی که در تهران به وجود آمد، ناچار به مشهد آمدم. در روزهای نخست، من نیز مانند بسیاری از هم‌وطنانم از این اتفاق شوکه شده بودم، اما پس از یکی دو روز، پرسش‌هایی در ذهنم شکل گرفت که مهم‌ترین آن‌ها این بود: در این شرایط چه کاری باید کرد؟ من چه کمکی می‌توانم به کشورم بکنم؟ و در حقیقت، چه اقداماتی می‌شود و باید برای ایران انجام داد؟

شیراز و ایده ساخت برنامه در همین روزهای سخت نخست شکل گرفت؟

بله، خاطر هست که مدام از خودم می‌پرسیدم: به عنوان فردی که در این کشور درس خوانده‌ام و دکترای ارتباطات گرفته‌ام، حالا چه کاری از دستم برمی‌آید؟ فکر می‌کردم این همه دانش و مهارتی که در این سال‌ها کسب کرده‌ام، باید در این لحظه به کار کشور بیاید. اما چه کاری؟ یکی دو روز درگیر این پرسش‌ها بودم که چه باید کرد، تا اینکه به ذهنم رسید که هم‌وطنانم نیز، لابد مانند من، این روزها درگیر حس‌ها و سؤال‌های مختلفی هستند و همگی به طور هم‌زمان احساسات مشترکی را تجربه می‌کنیم. احساساتی مانند خشم از کسانی که به کشورمان تجاوز کرده و جنگ را به ما تحمیل کرده‌اند، یا ترس از بمباران و نداشتن نتیجه، یا بلا تکلیفی و تکرار مکرر این پرسش که چه خواهد شد؟

این مسئله من را به سمت این ایده سوق داد که با بهره‌گیری از مهارت‌هایم در حوزه رسانه، متخصصانی را در این شرایط گرد هم بیاورم، از آن‌ها این پرسش‌ها را مطرح کنم و آن‌ها نیز شرایط را برایشان تحلیل کنند و حتی المقدور به پرسش‌هایی که در ذهن‌ها شکل گرفته بود از چرایی وقوع جنگ گرفته تا تحلیل این موقعیت از منظرهای مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... پاسخ دهند. در حقیقت، ایده اولیه‌ای که در ذهنم شکل گرفت، تولید یک خط روایت نخبگانی از اتفاقی بود که برای ما و کشورمان رخ داده بود، ایده‌ای که من را به ساخت برنامه «هم سرزمین» رساند.

شیراز رفتید سراغ تشکیل گروه برای ساخت؟

برای تکمیل این ایده، خیلی سریع به سراغ استادانی که می‌شناختم رفتم تا بتوانم آن را به یک محصول رسانه‌ای تبدیل کنم. یکی از این استادان، آقای دکتر فولادیان بودند که از اساتید دغدغه‌مند دانشگاه فردوسی مشهد هستند. ایشان از این ایده استقبال کردند و به سرعت بستری را در دانشگاه فراهم کردند تا امکانات لازم برای ساخت این برنامه را قرار گیرد. البته دانشگاه امکاناتی ابتدایی داشت، مانند استودیویی که به طور کامل تجهیز نشده بود.

من نیز هم‌زمان به تجهیز امکانات دانشگاه مشغول شدم و به سراغ دوستان، همکاران و هم‌رشته‌ای‌هایم در حوزه رسانه و ارتباطات رفتم تا تیم «هم سرزمین» را تشکیل دهیم.

شیراز «هم سرزمین» از کجا آمد و اصلاً چرا «هم سرزمین»؟

در همان مشورت‌ها و گفت‌وگوهای اولیه با جمعی از دوستان بود که به نام «هم سرزمین» رسیدیم. در آن روزها، به این احساس رسیده بودیم که جنگ همه ما را هم سرنوشت کرده است. جنگ دیگر پیر و جوان یا زن و مرد نمی‌شناخت، تفاوت‌های طبقاتی، فقر و غنا را نادیده می‌گرفت. همه ما به واسطه شرایط جنگ، هم سرنوشت شده بودیم. سرنوشتی مشترک برای تمام کسانی که در این سرزمین زندگی می‌کنند همین مفاهیم ما را به این تصمیم رساند که محور اصلی برنامه و نام آن، «هم سرزمین» باشد؛ نامی که به بزرگ‌ترین اشتراک ما، یعنی سرزمینی که در آن زیست می‌کنیم، اشاره دارد. به قول یکی از استادانی که مهمان برنامه‌مان بودند، دکتر محمود فتوحی، این سرزمین مانند پناهگاه ماست، پناهگاه و جایگاهی که همه ما در آن زندگی می‌کنیم.

شیراز چه افرادی برای انجام این کار دور هم جمع شدند و در آن شرایط اصلاً پیش‌تولید هم داشتید؟

گروه را با شش نفر از دوستانی که در ارتباطات و روزنامه‌نگاری دارای سابقه بودند، شروع کردم. با هم طرح را چکش کاری کردیم. در اتاق فکر با آقای دکتر تقی‌آبادی و خانم دکتر گلستانی که بسیار همراه و همدل بودند همکاری داشتیم. کار در شرایط خیلی فشرده و سخت انجام می‌شد. در واقع کارها به صورت طبیعی پیش نمی‌رفت. اوایلش از خودم می‌پرسیدم، اهدافمان در این پروژه محقق می‌شود؟ آیا کاری با کیفیت از کار در می‌آید یا نه؟ در شرایط طبیعی ما باید بازه‌ای یک ماهه یا بیشتر را صرف پیش‌تولید می‌کردیم. این را اضافه کنید به این شرایط جنگی و نبود اینترنت. در شرایط نبود اینترنت و نبود امکان پژوهش مدون، ما تنها از طریق هم‌فکری با یکدیگر می‌توانستیم کار را پیش ببریم. برای همین مشورت‌ها را ادامه دادیم. انگار تنها به افراد دسترسی داشتیم. به هم سرزمین‌هایمان دسترسی داشتیم. به هم سرزمین‌هایمان

در شرایط نبود اینترنت و نبود امکان پژوهش مدون، ما تنها از طریق هم‌فکری با یکدیگر می‌توانستیم کار را پیش ببریم. برای همین مشورت‌ها را ادامه دادیم. انگار تنها به افراد دسترسی داشتیم. به هم سرزمین‌هایمان